

بہتر خدا

۱

ہوا  
~~پری سربہ زمین~~

جیر جیرانی و جنگل سبز

ہوا  
Hoopa

# ۱ هوا پری سربه زمین

جیرجیرانی و جنگل سبز



مریا یزدانی  
تصویرگر: ناهید زمانی



سرشناسه: یزدانی، مریا، ۱۳۵۶ -  
عنوان و نام پدیدآور: جیرجیرانی و جنگل سبز/  
نویسنده مریا یزدانی: تصویرگر ناهید زمانی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ص: مصور.  
فروست: پری سر به هوا: ۱.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۴۱-۴ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۴۰-۷  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: گروه سنی: ج.  
موضوع: داستان‌های تخیلی  
موضوع: Fantastic Fiction  
موضوع: پریان -- داستان  
موضوع: Fairies -- Fiction  
شناسه افزوده: زمانی، ناهید، ۱۳۶۷- تصویرگر  
رده بندی دیویی: ۱۳۰دا  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۶۴۸۸

# ۱ پری سر به زمین

## جیرجیرانی و جنگل سبز

نویسنده: مریا یزدانی  
تصویرگر: ناهید زمانی  
ویراستار: نسرين نوش امینی  
مدیر هنری: فرشاد رستمی  
طراح گرافیک: بهار یزدان سپاس - سندس حمیدیان  
چاپ اول: ۱۴۰۰  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان  
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۴۰-۷  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۴۱-۴

تقدیم به همه‌ی ژاله‌نوش‌ها که  
اگر خوب دقت کنیم همیشه  
دوروبرمان پرسه می‌زنند.  
تقدیم به هرکسی که آرزوهایت  
را به تو هدیه می‌دهد، حتی  
اگر شده یکی دو تایش را.

و تقدیم به پدر و مادر مهربانم



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.  
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir  
• همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
• استفاده از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

تا حالا شده وقتی دارین قدم می‌زنین یهویی یه قطره آب بیفته پشت دستتون؟ یا سُر بخوره روی گونه‌تون یا بیفته نوکِ نوکِ دماغتون؟ آسمون هم صافِ صافه. نه لکه‌بری، نه بارونی، نه برفی و نه شلنگِ آبی. پس اون یه قطره آب از کجا اومده؟ مطمئن باشین یه لحظه پیشش یه پری کوچولو از بالای سرتون رد شده که اسمش ژاله‌نوشه! فکر کنم این اتفاق توی زندگی همه‌مون افتاده! فقط یه قطره!

«این تقدیره دخترم! تو باید پری نگهبان بشی!»  
«اگه نخوام چی؟!!!»



## توی جنگلِ سبزِ پریان کی چی کارهست؟

### ژاله‌نوش (ژلی)

یک پری خیلی خیلی بازیگوش که قدوقوارهش اندازه‌ی خرگوش‌هاست و مثل پَرِ جوجه سبکه. ژلی مامان‌وبابا نداره. زیادی شلوغ و بازیگوش و سربه‌هواست.



### جیرجیرانی

یک جیرجیرک خوش‌قلب و پیر و فرتوت، ولی عاقل و دانا! مادرخونده و سرپرست ژاله‌نوشه. از بچگی بزرگش کرده و خیلی دوستش داره. جیرجیرانی نزدیک کلبه‌ی ژاله‌نوش زندگی می‌کنه و هر روز بهش سر می‌زنه.



### پری سرنگهبان

سرنگهبان پری‌های جنگلِ سبز که خیلی خیلی جدی و سخت‌گیره! حواسش به همه‌چی و همه‌جا هست.





### آقای موش کور

چوب‌دستی‌های جادویی رو این پیرمرد کوچولو می‌سازه، بعد هم اون‌ها رو هدیه می‌ده به پری‌ها.

### خانم هندونه‌چی

یک پری باتجربه که توی جالیز هندونه کار می‌کنه.



### آقای پُستچی

یک پرستو که یک کلاه لبه‌دار می‌ذاره سرش. نامه‌های اهالی جنگل رو می‌رسونه دستشون و خیلی خیلی توی کارش جدیه.



### آقا کوکو و خانم بقو

دو تا کیوتر باشخصیت که همسایه‌ی ژاله‌نوش هستن و همین تازگی‌ها دو تا جوجه‌ی کوچولو شون از تخم بیرون اومده‌ن.



### سوسنگ آبی

بچه‌سوسکی که آرزوی پریدن داره.

### عموسنجاپ معمار

یک سنجاپ پیر و سخت‌کوش که توی ساختن کلبه‌های درختی و آلونک‌های چوبی خیلی ماهره.



### آقا پری سبیل طلایی

رئیس پری‌ها، این آقا بدجوری پی ادب‌کردن ژاله‌نوشه.



## فبرهای فوش هفت سالگی و پند تا بوس گنده

سالهای سال پیش که خیلی هم دور نیست، کنار جنگل آدمها، یک جنگل مخفی پریان بود به اسم جنگل سبز، پُر از درختهای سرسبزِ افرا و زالزالک. جنگل سبز آن قدر سرسبز بود که از سبزترین سبزه‌ها هم سبزتر و باطراوت‌تر بود. پری‌های نگهبان توی همین جنگل زندگی می‌کردند. این پری‌ها دو تا بال شیشه‌ای قشنگ داشتند و قدوقواره‌شان اندازه‌ی خرگوش بود.

در حاشیه‌ی جنگل و روی یک درخت بلوط پیر، کلبه‌درختی کوچکی بود که پری کوچولو و بازیگوشی به اسم ژاله‌نوش توی آن زندگی می‌کرد. آن روز ژاله‌نوش از همیشه شاد و شنگول‌تر بود. هفت‌ساله شده بود و طبق آداب و رسوم، قرار بود اتفاق خیلی خیلی مهمی برایش بیفتد. بیشترِ پری‌ها به این سن و سال که می‌رسیدند، چوب جادویی‌شان را

درخت‌های زالزالک. اونجا یک درخت زالزالکِ خیلی پیره که کنارش یک کُنده افتاده. مؤدب و بی‌سروصدا همون‌جا بشین تا آقای موش کور



نقشه جنگل سبز

بیاد و مراسم شروع شه. آقای موش کور از راه دوری می‌آد. فقط مخصوص این مراسم. سر و وضعت باید خیلی تروتیمز و مرتب باشه. سعی کن دهن کوچولوت رو تا آخر مراسم وا نکنی! مثل یه دختر مؤدب نگاهت رو می‌اندازی پایین و به نوک گیوه‌هات نگاه می‌کنی تا همه‌چی به خوبی‌و خوشی تموم شه. خوب به حرف‌هاش گوش می‌دی و هرچی گفت سرت رو تکون می‌دی! آقای موش کور به سروصدا خیلی حساسه و از دختر بچه‌های پُر حرف و وژاج خوشش نمی‌آد. چوب‌دستی ت رو که

هدیه می‌گرفتند و این چوب تا آخرِ عمر همراهشان بود. ژاله‌نوش هم از سر صبح چشم‌به‌راه بود تا یکی این خبرِ خوش را برایش بیاورد. تا اینکه دم غروب بالاخره سروکله‌ی پری سرنگهبان پیدا شد و به ژاله‌نوش خبر داد که قرار است فردا چوب‌دستی جادویی‌اش را بگیرد، ولی خب، خوش‌حالی زیادی توی صدای پری سرنگهبان نبود و معلوم می‌شد حسابی حسابی لجش درآمده! با آن هیکل چاق‌الویش توی هوا پشتکی زد و چوب‌دستی طلایی‌اش را چند بار توی هوا چرخاند. از چوبش صدای درررررررررررررررر درآمد و پودری نقره‌ای که بوی وانیل و کاج می‌داد، پاشید این طرف و آن طرف.

پری سرنگهبان ابروهایش را در هم کشید و همان‌طور که سر جایش بال‌بال می‌زد، گفت: «آهای ژلی! بالاخره نوبت تو هم رسید. نمی‌دونم دختر سربه‌هوایی مثل تو رو کی و رو حساب چه قانونی انتخاب کرده! هیچ‌کی باورش نمی‌شه! ولی اسم تو هم توی فهرسته و من چاره‌ای جز اطاعت ندارم.»

چشمش افتاد به بچه کفش‌دوزکی که لابه‌لای موهای ژولیده‌ی ژاله‌نوش گم و بعد پیدا می‌شد! یواش کفش‌دوزک را از لای موهای ژاله‌نوش کشید بیرون و گذاشت روی یک برگ باریک و گفت: «خوب گوش‌هات رو وا کن ژلی! فردا صبح، سر ساعت ده باید بری ته جنگل. سرزمین



محلش نگذاشت و تندی از آنجا دور شد. ژاله‌نوش دیگر سر جایش بند نبود. دم در نشست تا جیرجیرانی بیاید و زودتر این خبر خوب را به او بدهد. جیرجیرانی شب‌ها همان موقع‌ها پیدایش می‌شد. کمی غذای پخته و سبزیجات تازه می‌آورد. به وژاجی‌های ژاله‌نوش گوش می‌داد و آخر شب وقتی ستاره‌ها مثل سیب‌های درشتی توی آسمان می‌درخشیدند، لالایی می‌خواند و قصه‌ی قشنگی تعریف می‌کرد تا پلک‌های نقره‌ای ژاله‌نوش روی هم بیاید و خوابش ببرد.

جیرجیرانی که از راه رسید، ژاله‌نوش دوید طرفش و خوش‌حال داد زد: «می‌دونی چی شده جیرجیرانی‌جون؟! شنیدی یا نه؟ قراره فردا یه جشن خیلی گنده برام بگیرن و چوب جادویی‌م رو همون‌جا بهم بدن. من فردا باید حسایی خوشگل کنم. حتماً مراسم بزرگ و باشکوهیه!» بعد گالش‌های ابریشمی زرشکی‌اش را از توی بقچه درآورد و لباس‌های تمیزش را دم دست گذاشت. گالش‌ها را پوشید و زد زیر آواز:

گرفتی، یه لبخند کوچولوی شیرین بهش می‌زنی و دست‌های کوچولوش رو آروم فشار می‌دی و بعد گونه‌هاش رو می‌بوسی. خیلی آروم! فهمیدی؟ موش‌های کور استخون‌های نرم و ظریفی دارن. بعد چند قدم می‌ری عقب، لبخند می‌زنی و منتظر می‌شی تا ازت خداحافظی کنه!»

ژاله‌نوش خنده‌کنان پرید سمت پری سرنگهبان. محکم لپش را بوسید و گفت: «می‌تونم با جیرجیرانی برم؟ می‌تونم دوست‌هام رو ببرم یا نه؟ کیک و شیرینی هم می‌دن؟»

پری سرنگهبان خودش را کشید عقب. لپش را با دستمال خشک کرد و گفت: «نه! نه! این مراسم خیلی خصوصیه. فقط خودت و خودت! هیچ‌کی رو دنبال خودت راه نمی‌اندازی ژاله‌نوش! فهمیدی؟! یه مراسم رسمی و خیلی خصوصیه!» ژاله‌نوش پایش را کرده بود توی یک کفش که می‌خواهد دوستانش را هم ببرد، ولی پری سرنگهبان





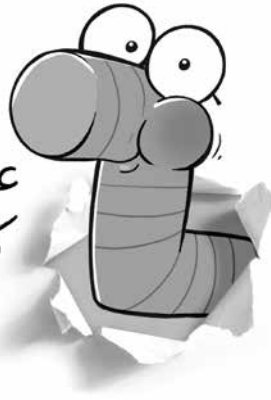
جیرجیرانی که گوشه‌ی پنجره نشسته بود، با چشم‌های ریزش زل زد به ژاله‌نوش. لبخندی نقلی روی لب‌هایش نشسته بود و دلش از شوق می‌لرزید. می‌دانست ژاله‌نوش، دخترخوانده‌ی عزیزش، خیلی وقت است چشم‌به‌راه هم‌چین روزی است. آرام و سنگین پرواز کرد سمت ژاله‌نوش. بوسش کرد و گفت: «مبارکت باشه دختر قشنگم. دیدی بالاخره نوبت تو هم رسید؟ مگه می‌شه ژلی من رو یادشون بره؟ هیچ‌کی نمی‌تونه ژلی من رو فراموش کنه. هیچ‌کی!»

ای پوب جادویی طلایی!  
از فردا تو پیشم می‌آیی  
برق بزن و درینگی کن برام  
جز تو دیگه هیپی نمی‌فوام  
چونمی‌ا به زنبیل پُر آب نبات  
پندر تا کیک و یه مشمت شکلات  
یه فدره اسباب بازی، برای بچه  
لباس و گالش، سه‌چار تا بقچه  
دیگه هیپی ازت نمی‌فوام  
به‌جز شیرینی برای دوستانم



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذ مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:  
■ این کاغذ نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛  
■ این کاغذ سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛  
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذ درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....

کتاب‌فروشی‌های هوپا

[www.hoopabooks.ir](http://www.hoopabooks.ir)



اینستاگرام هوپا

[hoopa\\_publication](https://www.instagram.com/hoopa_publication)



سایت هوپا

[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir)



کانال تلگرام هوپا

<https://t.me/hoopabooks>

